

مقایسه میزان احساس تنهایی دانش آموزان ناشنوا

با همتایان عادی خود در شهرستان اهواز

شهرام نوری / نمرین / عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه میزان احساس تنهایی دانش آموزان ناشنوا با همتایان عادی آنان در شهر اهواز بود. احساس تنهایی به معنای تفاوت مابین سطح مطلوب و سطح موجود روابط اجتماعی افراد می باشد. اطلاعات لازم به وسیله مقیاس احساس تنهایی آشر و همکاران (۱۹۸۴)، از نمونه‌ای به حجم ۴۸ نفر متشکل از ۲۴ دانش آموز ناشنوا (۱۲ دختر و ۱۲ پسر) و ۲۴ دانش آموز عادی (۱۲ دختر و ۱۲ پسر) به شیوه تصادفی جمع آوری شد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که بین دانش آموزان ناشنوا و عادی به لحاظ میزان احساس تنهایی تفاوت معنی داری وجود دارد. عبارت دیگر، دانش آموزان ناشنوا در مقایسه با همتایان عادی خود احساس تنهایی بیشتری می کنند. افزون بر این، نتایج نشان داد در گروه ناشنوا علی‌رغم اینکه میانگین احساس تنهایی دختران بیش از پسران است اما این تفاوت معنی دار نیست. همچنین تفاوت بین میزان احساس تنهایی دختران و پسران عادی از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر بود.

مقدمه

فرآیند اجتماعی شدن یکی از جنبه‌های مهم رشد انسان است. ذاتی بودن زندگی جمعی در انسان‌ها ضرورت تماس با دیگران را به عنوان امری اجتناب ناپذیر نموده است. رشد اجتماعی در هر دارنده ارتباط سالم و منطبق با موقعیت در افراد است. بنابراین مساله رشد اجتماعی بعنوان یکی از زمینه‌های فعالیت نظام

تعلیم و تربیت همواره مورد توجه بوده است. یکی از پیامدهای ناشی از نقص در مهارت‌های اجتماعی، احساس تنهایی می باشد. بررسی موشکافانه روابط بین فردی برای اولین بار توسط سالیوان (۱۹۵۳) تحت عنوان نظریه "روابط بین فردی" جایگاه خود را در مباحث روان شناسی به دست آورد (حسین چاری، ۱۳۸۱).

احساس تنهایی^۱ به معنای تفاوت مابین سطح مطلوب و سطح موجود روابط اجتماعی افراد است و هرچه این تفاوت بیشتر باشد احساس تنهایی بیشتر است (هیمن، ۱۹۹۸).

ویس (۱۹۷۳) بین تنهایی ناشی از انزوای اجتماعی^۲ و تنهایی ناشی از انزوای عاطفی^۳ تفاوت قایل شده است و بر این اساس، دو مقوله تنهایی عاطفی و تنهایی اجتماعی را ارایه کرده است. تنهایی عاطفی در نتیجه فقدان وابستگی عاطفی فرد به اشخاص دیگر به وجود می آید در حالی که در تنهایی اجتماعی فقدان مشارکت فرد در روابط و شبکه‌های اجتماعی برجستگی دارد (ارنست و کاکلویو، ۱۹۹۹).

احساس تنهایی با برخی ویژگی‌های روان‌شناختی مانند: عزت نفس پایین، اسناد بیرونی موفقیت‌ها، خجالت، شرم^۴، درون گرایی^۵ و پرخاشگری^۶ مرتبط است (روتبرگ و همکاران، ۲۰۰۴).

امروزه با توجه به اهمیت و تأثیر رشد اجتماعی افراد در چگونگی ارتباط آنان با دیگران، مطالعه احساس تنهایی در ناشنوایان مورد عنایت ویژه متخصصان تعلیم و تربیت استثنایی قرار گرفته است.

تحقیقات محدودی در مورد احساس تنهایی

دریافت که در میزان احساس تنهایی تفاوت معنی داری بین دختران و پسران وجود ندارد. در همین راستا پژوهش بوریس و پرلمن (۱۹۸۵) یافته‌های پژوهش فوق را تأیید کرد.

با توجه به اینکه تحقیقات اندکی در زمینه احساس تنهایی کودکان بویژه کودکان با نیازهای خاص انجام شده و همچنین نظر به لزوم توجه به رشد اجتماعی کودکان ناشنوا، پژوهش حاضر به منظور مقایسه احساس تنهایی کودکان ناشنوا و هم‌تایان عادی آنان انجام شده است. براین اساس، فرضیه و سوال‌های پژوهش حاضر تدوین شد:

۱. بین دانش آموزان ناشنوا و عادی از لحاظ میزان احساس تنهایی تفاوت معنی داری وجود دارد.

۲. آیا بین دختران و پسران ناشنوا از لحاظ میزان احساس تنهایی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

۳. آیا بین دختران و پسران عادی از لحاظ میزان احساس تنهایی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

روش

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان ناشنوا و عادی مقطع راهنمایی شهر اهواز بود که در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری شامل ۴۸ دانش آموز مشتمل بر ۲۴ دانش آموز ناشنوا (۱۲ دختر و ۱۲ پسر) و ۲۴ دانش آموز عادی (۱۲ دختر و ۱۲ پسر) بودند که به طور تصادفی از مدارس راهنمایی ویژه دانش آموزان ناشنوا و مدارس راهنمایی دانش آموزان عادی در شهر اهواز انتخاب شدند.

شایان ذکر است که دانش آموزان انتخاب شده از مدارس راهنمایی عادی با گروه ناشنوا به لحاظ سن، سطح اقتصادی-اجتماعی و پیشرفت تحصیلی هم‌تاسازی شد.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از مقیاس احساس تنهایی آشرو

کودکان ناشنوا^۷ انجام گرفته است که اکثر آنها بر میزان بالای احساس تنهایی ناشنوایان اتفاق نظر دارند، بعنوان مثال استیرگ و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهشی که بر روی ۱۵ ناشنوای ۱۸ تا ۳۰ ساله انجام دادند، دریافتند که افراد ناشنوا در مقایسه با هم‌تایان عادی خود احساس تنهایی بیشتری را تجربه می‌کنند در همین راستا، پژوهش چارلسون و همکاران (۱۹۹۱) نیز که بر روی ۲۳ نوجوان ناشنوا انجام گرفت حاکی از انزوا و گوشه‌گیری آنان بود. همچنین مورفی و نولن (۱۹۸۷) نقل از الحاجین، (۲۰۰۴) میزان احساس تنهایی دانشجویان ناشنوای ۸ دانشگاه آمریکا را بررسی کردند، نتایج تحقیق آنان نشان داد دانشجویان ناشنوا در مقایسه با سایر دانشجویان احساس تنهایی بیشتری را گزارش می‌کنند.

فرآیند اجتماعی شدن یکی از جنبه‌های مهم رشد انسان است.

از سوی دیگر برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در زمینه احساس تنهایی پرداخته اند که نتایج این تحقیقات ضد و نقیض می‌باشد. نتایج برخی تحقیقات، بیانگر تفاوت معنی دار دختران و پسران در میزان احساس تنهایی می‌باشد به طور مثال: در پژوهشی که ویس من و گت فورد (۱۹۹۲)، نقل از ساجینر، (۲۰۰۴) بر روی ۶۵ دختر و ۸۴ پسر در اسرائیل انجام دادند دریافتند که پسران احساس تنهایی بیشتری را نسبت به دختران گزارش می‌کنند هم‌سو با این یافته، ویلیام و آشور (۱۹۹۲) نقل از الحاجین، (۲۰۰۴) در پژوهشی که بر روی ۶۵ دانش آموز عقب مانده ذهنی خفیف^۸ انجام دادند، متوجه شدند که پسران احساس تنهایی بیشتری را نسبت به دخترها دارند. در مقابل این یافته‌ها، نتایج برخی تحقیقات نیز بر عدم تفاوت دختران و پسران در میزان احساس تنهایی تأکید دارد بعنوان مثال: تورنسام (۱۹۹۲)، نقل از ارنست، (۱۹۹۹) در پژوهش خود بر روی ۲۰۰۰ دانش آموز سودانی

همکاران (۱۹۸۴) برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد. این مقیاس برای سنجش احساس تنهایی در دوره اواخر کودکی و نوجوانی تهیه شده است. این مقیاس دارای ۲۴ گویه است و پاسخ‌ها بر اساس یک شاخص ۳ درجه ای ۱-۳ نمره گذاری می شود. لازم به ذکر است که ۸ گویه این مقیاس جنبه انحرافی و سرگرم کنندگی دارد. در ایران این مقیاس توسط حسین چاری و خیر (۱۳۸۱) بر روی ۳۶۹ دختر و پسر شیرازی اجرا و تعیین روایی و پایایی شده است. این محققان روایی مقیاس را با استفاده از روایی سازه ای و روش تحلیل عاملی و پایایی آن را نیز از طریق روش آلفای کرونباخ و تصنیف مطلوب و مناسب گزارش کرده‌اند.

طرح تحقیق

طرح تحقیق پژوهش حاضر از نوع تحقیقات علی-مقایسه‌ای می باشد.

شیوه اجرا

پس از مراجعه به یکی از مراکز ناشنوایان شهر اهواز و انتخاب تصادفی نمونه به اجرای پرسشنامه مبادرت شد. در این مرحله محقق با کمک معلم ویژه ناشنوایان دستورالعمل نحوه پاسخگویی به سوالات پرسشنامه را به دانش آموزان آموزش داد، سپس ابهامات احتمالی برای دانش آموزان رفع گردید. در ادامه دو مدرسه راهنمایی عادی (یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه) که به لحاظ موقعیت اقتصادی-اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان معادل مدرسه راهنمایی ویژه ناشنوایان بودند انتخاب و از میان دانش آموزان این مدارس تعداد ۲۴ دانش آموز (۱۲ دختر و ۱۲ پسر) انتخاب شد و پرسشنامه مذکور اجرا گردید.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش

آماري t برای گروههای مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

برای بررسی فرضیه (۱) تحقیق یعنی مقایسه دانش آموزان ناشنوا و عادی از نظر میزان احساس تنهایی از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج آن در زیر آمده است.

جدول ۱. آزمون t برای مقایسه میزان احساس تنهایی دانش آموزان ناشنوا و عادی

شاخص ها گروه	μ	n	SD	df	t	p
ناشنوا	۳۵/۶۶	۲۴	۲/۸۸	۴۶	-۲/۷۷	۰/۰۰۸
عادی	۳۲/۸	۲۴	۴/۰۸			

همان‌طور که در جدول (۱) ملاحظه می شود تفاوت معنی داری بین دانش آموزان ناشنوا و عادی به لحاظ میزان احساس تنهایی وجود دارد به عبارت دیگر دانش آموزان ناشنوا نسبت به دانش آموزان عادی میزان احساس تنهایی بیشتری را تجربه می کنند. بررسی سوال (۱) تحقیق حاضر، یعنی مقایسه دانش آموزان دختر و پسر ناشنوا از نظر میزان احساس تنهایی با استفاده از آزمون t مستقل نتایج زیر را نشان می دهد:

جدول ۲. آزمون t برای مقایسه میزان احساس تنهایی دانش آموزان دختر و پسر ناشنوا

شاخص ها گروه	μ	n	SD	df	t	p
پسر	۳۳/۵۵	۱۲	۵/۵۵	۲۲	-۰/۲۱	۰/۸
دختر	۳۳/۹	۱۲	۴/۰۱			

و هم جهت می‌باشد. از سوی دیگر این یافته را چنین می‌توان تبیین کرد که رشد اجتماعی افراد به نحوه ارتباط آنان با دیگران بستگی دارد. در این میان، افراد ناشنوا به علت محدودیت در ابزار ارتباطی (شنیدن و صحبت کردن)، در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل هستند بنابراین بیشتر در خطر طرد و عدم پذیرش از سوی دیگران قرار می‌گیرند در نتیجه احساس تنهایی آنان بیشتر است.

بررسی سوال اول تحقیق نشان می‌دهد که بین دختران و پسران ناشنوا در میزان احساس تنهایی تفاوت معنی داری وجود ندارد. این یافته با نتایج برخی تحقیقات از جمله بوریس و پرلمن (۱۹۸۷)، تورنسام، ۱۹۹۲، نقل از ارنست، ۱۹۹۹، همسویی دارد. افزون بر این، بدلیل تحصیل هر دو گروه (دختران و پسران) در مراکز ویژه و احساس جدایی از همسالان عادی به نظر می‌رسد میزان احساس تنهایی یکسانی داشته باشند.

**احساس تنهایی با برخی از ویژگی‌های
(روان‌شناختی مانند: عزت نفس پایین، استناد
بیرونی موفقیت‌ها، فعالیت، شرم، درون گرایی
و پرفشاری مرتبط است**

بررسی سوال دوم تحقیق نشان می‌دهد که بین دختران و پسران عادی به لحاظ میزان احساس تنهایی تفاوت معنی داری وجود دارد به عبارت دیگر پسران در مقایسه با دخترها احساس تنهایی بیشتری را گزارش می‌کنند.

این یافته تاییدی بر یافته‌های محققان پیشین (ویس و کت فورند، ۱۹۹۲؛ نقل از سجنر، ۲۰۰۴؛ ویلیام و آشر، نقل از الحاجین، ۲۰۰۴) است. علاوه بر این، شاید یکی از علل تفاوت میزان احساس تنهایی دختران و پسران عادی در دوره نوجوانی به نوع روابط آنان با دیگران مربوط باشد. به نظر می‌رسد که

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد دخترها میزان احساس تنهایی بیشتری را نسبت به پسران گزارش می‌کنند اما این تفاوت معنی دار نیست.

بررسی سوال (۲) تحقیق حاضر یعنی مقایسه دانش آموزان دختر و پسر عادی از نظر میزان احساس تنهایی با استفاده از آزمون مستقل انجام شد. نتایج آن در زیر آمده است.

جدول ۳. آزمون مستقل برای مقایسه میزان احساس تنهایی دانش آموزان دختر و پسر عادی

شاخص‌ها گروه	μ	n	SD	df	t	p
پسر	۳۲/۳	۱۲	۸/۴	۲۲	-۲/۹	۰/۰۰۷
دختر	۲۳/۰۸	۱۲	۶/۶			

همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود در گروه دانش آموزان عادی تفاوت معنی داری بین دختران و پسران وجود دارد. به عبارت دیگر، پسران میزان بالاتری از احساس تنهایی را به نسبت دختران تجربه می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه احساس تنهایی دانش آموزان ناشنوا و همتایان عادی آنان است. در پرتو اطلاعات به دست آمده، می‌توان با اجرای برنامه‌های مناسب آموزشی ضمن کاهش احساس تنهایی ناشنوایان، از عواقب بعدی از جمله افسردگی، خودکشی و رفتارهای ضد اجتماعی آنان جلوگیری کرد. در این راستا بررسی فرضیه اول تحقیق نشان می‌دهد که دانش آموزان ناشنوا احساس تنهایی بیشتری را نسبت به دانش آموزان عادی گزارش می‌کنند. این یافته با سایر پژوهش‌ها (چارلسون، ۱۹۹۲؛ استبرگ و همکاران، ۱۹۹۹؛ مورفی و نولن، ۱۹۸۷؛ نقل از الحاجین، ۲۰۰۴) همسو

نزدیک و دوستانه با دیگران، آموزش مهارت‌های اجتماعی در قالب مشارکت در

نتایج بررسی تمایقات نیز بر عدم تفاوت دختران و پسران در میزان احساس تنهایی تأکید دارد

فعالیت‌های مختلف و همچنین افزایش عزت نفس آنان می‌تواند از جمله راهکارهای مؤثر در کاهش احساس تنهایی آنان باشد. افزون بر این، ارتقاء فرهنگ جامعه به منظور ارتباط مثبت و صحیح با این افراد می‌تواند گامی دیگر در جهت کاهش احساس تنهایی این گروه باشد.

روابط بین دخترها به نسبت پسرها نزدیک‌تر و صمیمی‌تر است و امکان حمایت دیگران در مواقع

لزوم نیز در بین آنان بیشتر است. بنابراین کمتر احساس تنهایی را تجربه می‌کنند.

امید است نتایج این پژوهش روزنه تازه‌ای را پیش روی مربیان، مسوولان و والدین جهت توجه بیشتر به ویژگی‌های روان‌شناختی افراد ناشنوا بگشاید. در همین راستا تشویق دانش‌آموزان ناشنوا به ایجاد رابطه

زیر نویس ها:

- | | | |
|------------------------|---------------|-------------------------|
| 1. Loneliness | 4- Shy | 7. Deaf children |
| 2. Social isolation | 5. Introvert | 8. Mild mental retarded |
| 3. Emotional isolation | 6. Aggression | |

منابع:

- حسین جاری، مسعود، خیر، محمد. (۱۳۸۱). بررسی کارآیی یک مقیاس برای سنجش احساس تنهایی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره اول، ۴۶-۵۹.
- Borys, S.S., & Perlman, D. (1985). Gender differences in loneliness personality and social psychology Bulletin, 11, 63-74.
- Charlson, E.S. Strong, M., & Gold, R. (1991). How successful deaf teenagers experience and cope with isolation. American Annals of the Deaf, 137, 267-170.
- Elhageen, A.A. (2004). Effect of interaction between parental treatment styles and peer relations in classroom on the feelings of loneliness among deaf children in Egyptian schools. University Tubingen.
- Ernest, J., Cacloppo, J. (1999). Lonely hearts: Psychological perspectives on loneliness. Applied & preventive psychology, 8, 1-22.
- Heiman, T., Margalit, M. (1998). Loneliness, depression and social skills among students with mild mental retardation in different settings. The Journal of Special Education, 32, 154-163.
- Murphy, J.S. & Newlon, B.J. (1987). Loneliness and the mainstreamed hearing impaired College student. American Annals of the deaf, 132, 21-23.
- Rotenberg, K.J., Makdonald, Keltie, King, V., Emily. (2004). The relationship between loneliness and interpersonal trust during childhood. Journal of Genetic psychology, 6, 16-20.
- Seginer, R., Liach, E. (2004). How adolescents construct their future: The effect of loneliness on future orientation. Journal of Adolescence, 27, 624-643.
- Steiberg, A.G., Sullivan, V.G. Montoya, L.A. (1999). Loneliness and social isolation in the work place for deaf individual during the transition years. Preliminary investigation. Journal of Applied Rehabilitation Counselling, 30, 22-30.